جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۹-۳۶

گونه‌شناسی تفاسیر مختلف از امام علی علیه‌السلام در میان علویان ترکیه و تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری آن‌ها

زهرا کبیری‌پور[۱]

چکیده

علویان ترکیه یکی از مهم‌ترین اقلیت‌های دینی و فرهنگی این کشور به شمار می‌روند که تاریخ و هویت آنان با نام و سیره امام علی علیه‌السلام پیوندی عمیق دارد. در اندیشه و آیین علوی، امام علی علیه‌السلام نه‌تنها پیشوای دینی، بلکه مظهر حقیقت، عدالت و انسان کامل تلقی می‌شود. بااین‌حال، در بستر تحولات فکری و اجتماعی ترکیه معاصر، برداشت‌های متنوعی از جایگاه و مقام امام علی علیه‌السلام پدید آمده است که هریک بازتابی از دگرگونی‌های درون‌دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه علوی به شمار می‌آیند. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی بازنمایی امام علی علیه‌السلام در گفتمان‌های گوناگون علویان ترکیه و تبیین نقش این بازنمایی‌ها در بازتعریف هویت دینی و فرهنگی آنان است. در این چهارچوب، مقاله به گونه‌شناسی برداشت‌های گوناگون از امام علی علیه‌السلام در گفتار علویان امروز ترکیه می‌پردازد و می‌کوشد تحلیلی نظام‌مند از این تنوع تفسیری ارائه دهد. علوی‌گری در این بستر، نه سنتی ایستا، بلکه گفتمانی پویا و چندلایه است که در آن، بازنمایی‌های مختلف از حضرت علی علیه‌السلام مبنای هویت‌سازی، مشروعیت دینی و سامان‌دهی کنش اجتماعی تلقی می‌شود. پژوهش حاضر بر پایه تحلیل منابع ترکی استانبولی، مشاهدات میدانی در استانبول و بررسی گفتمان نهادهای علوی سامان یافته و پنج تفسیر اصلی را شناسایی کرده است: ۱. تفسیر شیعی، که امام علی علیه‌السلام را به‌عنوان امام معصوم و مرجع اعتقادی در چهارچوب تشیع امامی می‌فهمد؛ ۲. تفسیر محافظه‌کارانه، که او را حافظ سنت و هویت قومی ترک می‌داند؛

---

۱. دکتری تاریخ تشیع اثنی‌عشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛ z.kabiripour@gmail.com.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

https://jte.jz.ac.ir/article_238896.html

۳. تفسیر ایدئولوژیک، با تأکید بر عدالت‌خواهی و کنشگری اجتماعی امام علی ﷺ؛ ۴. تفسیر فرهنگی، که در پی بازسازی پیوندهای آیینی سنتی در ساختار شهری است؛ و ۵. تفسیر علوی‌گری بدون امام علی ﷺ، که به بازتعریف علوی‌گری به مثابه هویتی فرهنگی و فرادینی می‌پردازد. از درون این قرائت‌ها، پنج چهره متمایز از امام علی ﷺ پدیدار می‌شود: علیِ امام، علیِ قدسی، علیِ تُرک‌شده، علیِ نمادین و حذف امام علی ﷺ از علوی‌گری. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این بازنمایی‌ها، ضمن انعکاس تحولات معرفتی و اجتماعی علویان، نقش مهمی در تداوم یا دگرگونی هویت دینی و قومی آنان در عصر مدرن ایفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: علویان ترکیه، امام علی ﷺ، قدسی‌سازی، هویت فرهنگی، علی نمادین.

مقدمه

علویـان ترکیـه یکی از گسـترده‌ترین و اثرگذارترین جوامع دینی در آناتولی معاصر به شـمار می‌رونـد کـه ترکیبـی از عناصـر اسـلامی، عرفانـی و فرهنگی را در سـنت خود حفـظ کرده‌اند. در میـان ایـن جامعه، امام علـی علیه‌السلام جایگاهی محوری و چندوجهـی دارد. او نه‌تنها به‌عنوان پیشـوای دینی و نماد عدالت و معرفت شـناخته می‌شـود، بلکه محور اصلی هویت‌سـازی، مشروعیت‌بخشـی اعتقادی و سـامان‌دهی فرهنگی علویان نیز به شـمار می‌رود. در آیین‌ها، اشـعار آیینـی و گفتمـان مذهبـی علویـان، نام و سـیره امام علـی علیه‌السلام حضوری پررنـگ دارد و پیوندی عمیق میان ایمان، اخلاق و فرهنگ آنان برقرار می‌سازد.

بااین‌حـال، این جایگاه در گذر زمان دچار دگرگونی‌هایی بنیادین شـده اسـت. تحولات اجتماعی و سیاسـی ترکیه، ازجمله روند نوسـازی، سکولاریسـم دولتی و فشـارهای تاریخی بر اقلیت‌های مذهبی سبب شده است که برداشت‌های متنوع و گاه متعارضی از امام علی علیه‌السلام در میـان گروه‌هـای مختلـف علوی شـکل گیـرد. ازاین‌رو دیگـر نمی‌توان از یـک تصویر واحد از علـی علیه‌السلام در میـان علویـان سـخن گفـت؛ بلکه بـا مجموعـه‌ای از خوانش‌هـا و بازنمایی‌ها مواجهیم که هریک به‌نوعی بازتاب تحولات معرفتی، فرهنگی و اجتماعی این جامعه‌اند.

مسئله اصلی این مقاله، بررسی این تنوع تفسیری و تحلیل چگونگی بازنمایی امام علی علیه‌السلام در گفتار و سنت علویان ترکیه است. پرسش محوری آن است که علویان امروز، چه جایگاهی از امام علی علیه‌السلام را مطرح می‌سازند و این فهم چه نسبتی با تحولات هویتی و فرهنگی آنان دارد؟ براین‌اساس مقاله حاضر می‌کوشـد با رویکردی تحلیلی و گونه‌شناسـانه، گونه‌های مختلف برداشت از امام علی علیه‌السلام را در گفتمان علویان ترکیه شناسایی و تبیین کند. علوی‌گری در این بستر، نه سنتی ایستا و بسته، بلکه گفتمانی پویا و چندلایه است که بازنمایی‌های متنوع از حضرت علی علیه‌السلام در آن، بنیان هویت دینی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه علوی را شکل می‌دهد.

مطالعـه نسـبت میان شـخصیت امام علی علیه‌السلام و هویـت علوی، در پژوهش‌های پیشـین عمدتاً در قالب‌های تاریخی، کلامی یا فرهنگی دنبال شده است. در این میان، اثر سوباشی (Subaşı, 2010) با تمرکز بر فرایند مدرن‌سازی علوی‌گری و تحلیل‌های آکتورک (Aktürk, 2013)

در مقالـه «چهـار علـیِ علوی‌گری معاصر»[1] که بـه نقش ایدئولوژی در سـازمان‌یافتگی علویان می‌پـردازد، از تلاش‌هـای جدی در حوزه جامعه‌شناسـی دین به شـمار می‌روند. افزون بر این، پژوهش‌های آیدین (Aydın, 2008) و بولوت (Bulut, 2011) با تمرکز بر تمایز امام علی ﷺ تاریخی و امـام علـی ﷺ اسـطوره‌ای، یا تبییـن مفهوم «علوی‌گری بـدون علی»، جنبه‌هـای گفتمانی و سیاسی این بازنمایی‌ها را برجسته کرده‌اند. همچنین، دده علی کوچوک (Küçük, 2024) در اثر خود با عنوان علویان به کجا؟ به برخی از این قرائت‌ها اشاره‌هایی گذرا داشته، اما فاقد تحلیل نظام‌مند و طبقه‌بندی‌شده بوده است. بااین‌حال آنچه در اغلب این مطالعات غایب است، ارائه یک مدل تحلیلی جامع و تطبیقی برای گونه‌شناسـی درونی برداشـت‌های متنوع از امام علی ﷺ است؛ مدلی که به‌صورت هم‌زمان، امکان تفکیک، هم‌پوشانی و تحلیل تقابلی این قرائت‌ها را در بسترهای اجتماعی مختلف فراهم سازد. پژوهش حاضر با رویکردی ترکیبی از تحلیل مفهومی، تبارشناسـی تاریخی و داده‌های میدانی، درصدد پاسـخ‌گویی به همین خلأ نظری و روش‌شناختی است.

بـرای درک دقیق‌تـر ایـن تنـوع، شـناخت زمینه‌هـای تاریخـی و دگرگونی‌هـای اجتماعـی ضـروری اسـت. تقسـیم تاریـخ علویـان ترکیـه بـه دو دوره پیشـاصفوی و پسـاصفوی، به درک تحـولات هویتـی آنـان یاری می‌رسـاند (Ocak, 1998). پیـش از صفویان، گروه‌هایـی با مذاهب غیررسمی (هترودوکسی)[2] در آناتولی، در قالب طریقت‌هایی چون وفایی، حیدری و قلندری، بیشتر به جوهر معنا تا صورت شریعت توجه داشتند؛ اما با ظهور دولت صفوی، که به دنبال تثبیت اقتدار سیاسی ـ مذهبی خود بود، علی ﷺ به محور مشروعیت‌بخشی و هویت‌سازی ایـن گروه‌هـا تبدیـل شـد (Subaşı, 2010, P80-81). به‌ویژه، مفهوم «حق ـ محمد ـ علی» نقشـی کلیدی در شکل‌دهی به باورهای جدید ایفا کرد.

با مهاجرت گسـترده علویان به شـهرها و مواجهه آنان با سـاختارهای مدرن، فهم سنتی از علوی‌گری دستخوش دگرگونی شد. شکل‌گیری سازمان‌های علوی با رویکردهای ایدئولوژیک، فرهنگی و مذهبی، به بازتعریف شخصیت امام علی ﷺ متناسب با فضای فکری هر جریان

1. Çağdaş Aleviliğin dört Alisi.

2. Aktürk, 2013; Bal, 2002; Kutlu, 2003; Yalçınkaya, 2009; Karamustafa, 2007Kutlu, 2003, p50.

انجامید. بدین‌ترتیب، تفاسیری نو از علی ﷺ پدید آمد که نه‌تنها از سنت کلاسیک فاصله داشت، بلکه در مواردی با آن در تعارض بود. در این روند، امام علی ﷺ دیگر صرفاً یک شخصیت تاریخی یا مذهبی تلقی نمی‌شد؛ بلکه به مثابه نمادی معنایی و هویتی بازتولید گردید. هر جریان فکری و اجتماعی، متناسب با نیازها و شرایط تاریخی خود، قرائتی ویژه از امام علی ﷺ عرضه کرد و او را تجلی آرمان‌ها، ارزش‌ها و دغدغه‌های خویش دانست. بدین‌سان، تصویر امام علی ﷺ در گذر زمان، به عرصه‌ای برای بازتاب هویت‌های جمعی و ایدئولوژیک تبدیل شد.

این مقاله با الهام از ایده محوری حمید آکتورک در مقاله «چهار علی در آیین علویان معاصر»، به بازتحلیل و بومی‌سازی آن چهارچوب در متن جامعه علویان ترکیه می‌پردازد. بخشی از چهارچوب نظری این پژوهش، متأثر از ایده آکتورک است و با دستاوردهای مطالعات میدانی و یافته‌های نویسنده تطبیق داده شده است. بااین‌حال بیش از نیمی از مقاله حاضر، حاصل داده‌های میدانی، گسترش تحلیلی و بومی‌سازی مفاهیم در بستر اجتماعی و فرهنگی ترکیه است. بدین‌سان، مطالعه کنونی نه بازنویسی صرف، بلکه توسعه و تکمیل آن مدل در پرتو شواهد تازه و نیازهای تحلیلی جدید به شمار می‌آید.[1]

پژوهش حاضر بر پایه رویکرد تحلیلی ـ تفسیری با بهره‌گیری از عناصر تحلیل گفتمان سامان یافته است. هدف از این رویکرد، کشف لایه‌های معنایی و فرهنگی نهفته در بازنمایی‌های علوی از امام علی ﷺ است؛ به این معنا که داده‌ها نه صرفاً توصیف، بلکه باتوجه‌به منطق درونی گفتمان‌های علوی و نقش آنها در بازسازی هویت دینی و فرهنگی تحلیل شده‌اند. روش تحقیق، کیفی است و داده‌ها از سه مسیر گردآوری شده‌اند: نخست، تحلیل محتوای متون ترکی استانبولی، اعم از منابع چاپی و دیجیتال که توسط نویسندگان علوی یا پژوهشگران این حوزه تألیف شده‌اند. این متون بر اساس سه معیار انتخاب گردیده‌اند: تمرکز مستقیم بر جایگاه امام علی ﷺ در گفتمان علوی، تنوع در رویکردهای کلامی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و ایدئولوژیک و بازتاب در نهادهای علوی یا محافل

1. Aktürk, Hamit (2013). Çağdaş Aleviliğin dört Alisi. Geçmişten Günümüze Alevilik, I. Uluslararası Sempozyumu, October 2013, Bingöl Üniversitesi Yayınları 2014, 2, p56-70.

دانشگاهی ترکیه. هر متن در واحدهای معنایی، تحلیل گردید و مضامین مشترک، در قالب پنج گونه تفسیری از امام علی ﷺ طبقه‌بندی شد. دوم، مصاحبه با دده‌ها، مدیران جمخانه‌ها و پژوهشگران علوی در استانبول که در پاییز ۱۴۰۳ انجام گرفت و در شناخت تفاوت‌های نسلی و زبانی در بازنمایی امام علی ﷺ نقشی اساسی داشت. سوم، مشاهده میدانی در جمخانه‌های سیدصبری، فیروزکوی و مرکزی استانبول که طی آن آیین‌ها، نمادها و تصاویر مرتبط با حضرت علی ﷺ ثبت و تحلیل گردید. این مشاهدات زمینه‌ای فراهم ساخت تا پیوند میان گفتار و رفتار مذهبی در فضای واقعی جمخانه‌ها بررسی و تحلیل نظری با تجربه زیسته تکمیل شود. براین‌اساس، پژوهش حاضر با ترکیب سه منبع داده ـ متون مکتوب، مصاحبه‌های تفسیری و مشاهدات میدانی ـ تصویری چندبُعدی از گفتمان علوی در باب امام علی ﷺ ارائه می‌دهد؛ تصویری که در امتداد سنت پژوهش‌های کیفی تفسیری و با الهام از تحلیل گفتمان، قابل تبیین است.

۱. مفهوم اصطلاح «علوی»

اصطلاح «علوی» در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد، اما در این پژوهش، تمرکز بر تعریف تاریخی و فرقه‌ای آن است. دهخدا این واژه را این گونه معنا کرده است: منسوب به «علو» خلاف سفل، ملک و فرشته، سیاره و بالا و بالاتر و بلندی و سمائی، ضد سفلی، و علویه را مؤنث آن دانسته به معنای زنی که از اولاد علی‌بن‌ابی‌طالب ﷺ است (دهخدا، ۱۳۸۵ش، ج۱۰، ص۱۶۰۶۷). ازنظر ریشه‌شناسی، واژه عربی «علوی» به معنای «منسوب به علی» (ابن‌منظور، ۱۳۳۴ق، ص۳۰۹۵ و Rençber, 2016; Arabacı, 2015) و معادل ترکی آن «علیچی» است (Kaya, 2022). این واژه‌سازی، مطابق قواعد زبان عربی، در پیوند ریشه‌هایی چون علی، موسی یا عیسی با پسوند «ی» شکل می‌گیرد.

طرف‌داران دیدگاه علوی‌گری بدون علی ﷺ کوشیده‌اند این واژه را به مفاهیم غیرمرتبط مانند «آتش» پیوند دهند، اما این نظریات به دلیل ناآگاهی از ساختار زبان عربی و رشد گرایش‌های ضد عربی در میان برخی علویان، مقبولیت گسترده نیافته‌اند (کوچوک، ۱۴۰۳ش). علی کایا، علوی‌پژوه معاصر، معتقد است واژه «علوی» به معنای پیروان امام علی ﷺ از

قرن هفتم میلادی، یعنی زمان حیات ایشان، رایج بوده است. ابوذر غفاری، عمار یاسر، مالک اشتر و سلمان فارسی از نخستین کسانی بودند که به‌عنوان «علوی» شناخته می‌شدند. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، طرف‌داران ابوبکر «بکری»، طرف‌داران عمر «عمری» و طرف‌داران عثمان «عثمانی» نامیده می‌شدند. با گذشت زمان، این نام‌ها به جز «علوی» منسوخ شدند. برخی تحقیقات مدعی هستند که علویان تا اواخر قرن نوزدهم، از نام «علوی» استفاده نمی‌کردند و به‌جای آن «قزلباش» نامیده می‌شدند، اما این ادعا با منابع تاریخی مغایرت دارد (Kaya, 2022, P43-42).

ایرنه ملیکوف (۱۹۱۷)، محقق غربی، مدعی است که «علوی» به معنای «از نسل علی علیه‌السلام» است و در منابع پیش از قرن نوزدهم، «قزلباش» به کار رفته است. بااین‌حال، مفهوم «علوی» به معنای «پیرو علی علیه‌السلام» در منابع قرن هشتم نیز یافت می‌شود (Ocak, 2000, P129-159). در کتاب‌های رجال نیز راویان حدیث به‌عنوان طرف‌داران امام علی علیه‌السلام یا عثمان مشخص می‌شدند. بنابراین، «علوی» یک مفهوم عربی به معنای «علی‌دوست» است که از زمان حیات امام علی علیه‌السلام به کار رفته و علویان در طول تاریخ، خود را «قزلباش» نمی‌نامیده‌اند (Kaya, 2022, P45). برخی مفهوم علوی را به معنای «احترام به حضرت علی علیه‌السلام، دوست داشتن او و وفاداری به او» به کار برده‌اند (Eröz, 1990, P33). با بررسی دیدگاه این گروه مشخص می‌شود که به کسی که به حضرت علی علیه‌السلام محبت داشته و به او احترام می‌گذارد (Bozçalı, 2006, P36) و همچنین به او وفاداری نشان می‌دهد، «علوی» گفته می‌شود (Arı, 2020, P17).

درباره منشأ اصطلاح «علوی»، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد: دیدگاه سنتی، بر پیروی و ارادت به حضرت علی علیه‌السلام تأکید دارد و واژه «علوی» را به معنای «پیرو علی علیه‌السلام» می‌داند. دیدگاه تاریخی، بر نقش عوامل سیاسی در کاربرد این اصطلاح، به‌ویژه در دوران امپراتوری عثمانی تأکید می‌ورزد. طبق این دیدگاه، دولت عثمانی برای تفکیک میان شیعیان داخل قلمرو خود و شیعیان ایران و شام، اصطلاح «علوی» را با مقاصد سیاسی رایج ساخت (جمالی‌فر، ۱۴۳۷ق، ص۲۶۶). دیدگاه‌های معاصر، گاه با هدف تمایز علویان از شیعیان امامی و با انگیزه‌های سیاسی، به بازتعریف هویت علویان می‌پردازند. این جریان‌ها،

مشـابه اتهام‌زنی‌هـای تاریخـی، همچـون «قرمطـی» و «نصیـری»، در جهـت تخریـب جایگاه دینـی علویـان عمـل می‌کنند. دیدگاه سیاسـی، پیدایش واژه «علوی» را واکنشـی به اصطلاح «عثمانی» می‌داند که پس از قتل عثمان و با هدف انتقام‌جویی امویان شکل گرفت. در این چهارچوب، اصطلاح «علوی» ابتدا بار اعتقادی داشـت، اما در جریان تحولات سیاسی و در برابر سازماندهی اموی، به ابعادی سیاسی نیز دست یافت و سرانجام به دو شق «شیعه/علوی اعتقادی» و «شیعه/علوی سیاسی» منجر شد (Kocadağ, 2022, P59).

اصطلاح «علوی» در ادبیات دینی و اجتماعی، به مجموعه‌ای متکثر از گروه‌های مذهبی اطلاق می‌شود که امام علی علیه‌السلام را محور هویت دینی، عرفانی و تاریخی خود می‌دانند. این واژه عمدتـاً بـه دو معنا به‌کار می‌رود: الف) اشـاره به نصیریان (علویان سـوریه و لبنان) با الهیات و آیین‌هـای مسـتقل کـه در ادبیـات علمی به‌عنـوان فرقه‌ای متمایز شـناخته می‌شـوند؛ ب) اشـاره بـه علویـان ترکیه شـامل طریقت‌های بکتاشـیه و قزلباشـیه، که از قرن هفتـم هجری در آناتولـی شـکل گرفته و بـا حمایت صفویان گسـترش یافتند. این جریان‌ها حاصـل آمیزه‌ای از جمعیت‌هـای ترک‌تبـار، ایرانی و محلی‌اند که در قالب طریقت، آییـن و نهادهای فرهنگی‌ـ اجتماعی سازمان یافته‌اند.

علویان ترکیه باتکیه‌بر میراث معنوی خاص خود، به‌ویژه در سـنت قزلباشـی و بکتاشـی، تفسـیری از حضـرت علی علیه‌السلام ارائـه می‌دهند که با خوانش رایج فقهی یـا تاریخی فاصله دارد. در ایـن قرائـت، حضرت علی علیه‌السلام نه‌تنها پیشـوای سیاسـی یا جانشـین پیامبر، بلکـه به مثابه حقیقـت نهایـی، نور الهـی، و مظهر باطنی توحیـد تصویر می‌شـود. به‌عبارت‌دیگر، بازنمایی حضـرت علـی علیه‌السلام در سـنت علوی ترکیه، آمیزه‌ای از عناصر عرفانی، شـطحی،[1] اسـطوره‌ای و نمادین است که گاه تا مرز الوهیت‌گرایی نیز پیش می‌رود.

ایـن بازنمایی‌هـای متنـوع از امـام علـی علیه‌السلام، نـه فقـط بنیان الهیـات علوی، بلکه اسـاس مناسـک، آداب، و هویـت جمعی این طریقت‌ها را نیز شـکل می‌دهـد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت درک علی علیه‌السلام در میان علویان ترکیه، آینه‌ای از تنوع درونی، پویایی تاریخی و تلاش برای

۱. «شطحی» به گفته‌های عرفانی و گاه متضاد با ظاهر شریعت اطلاق می‌شود که در سنت‌های صوفیانه و عرفانی برای بیان تجارب باطنی و شهود معنوی به کار می‌رود.

معناسازی دینی در بستری فرهنگی ـ قومی خاص است.

پس از تبیین معنا و سیر تاریخی اصطلاح «علوی»، بررسی نحوه بازنمایی امام علی علیه‌السلام در گفتمان‌های مختلف علویان ترکیه می‌تواند ما را در فهم دقیق‌تر از ماهیت الهیاتی و هویتی این سنت یاری رساند.

۲. تفاسیر علویان از امام علی علیه‌السلام

۲-۱. علیِ امام؛ تفسیر شیعه‌محور در میان علویان

از دیدگاه گروهی از علویان، با رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، دوران نبوت به پایان رسیده و مرحلهٔ امامت آغاز شده است. حضرت علی علیه‌السلام، به دلیل جایگاه‌شان به‌عنوان داماد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همسر حضرت فاطمه علیهاالسلام، نخستین امام تلقی می‌شود و امامت او بر اساس نصوص دینی تعیین گردیده است. با این وجود، باور بر این است که امامت ایشان غصب شده و از لحاظ تاریخی مورد ستم واقع گشته است. بر اساس این دیدگاه، امامت از ارکان اسلام محسوب می‌شود و بنابراین، جایگاه امام علی علیه‌السلام در دین با دیگر صحابه قابل مقایسه نیست. این تفاوت به این دلیل است که در سلسلهٔ احادیث و ادبیات دینی، ایشان و دیگر امامان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از نگاه علویان، بسیاری از ویژگی‌هایی که در این اندیشه به امام علی علیه‌السلام نسبت داده می‌شود، در خطبه‌ها و نامه‌های منسوب به ایشان. به‌ویژه در کتاب نهج‌البلاغه. بازتاب یافته است. نهج‌البلاغه در میان علویان، نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از سخنان امام، بلکه به مثابه متنی الهام‌بخش و مرجع در تبیین آموزه‌های اخلاقی، عرفانی و عدالت‌محور تلقی می‌شود و در آیین‌های جمعی و مجالس دینی آنان جایگاه ویژه‌ای دارد.[۱]

این گروه، نسبت به تفاسیر متفاوت از جایگاه امامت حضرت علی علیه‌السلام واکنش شدیدی نشان می‌دهند. از دیدگاه آنان، الوهیت بخشیدن به حضرت علی علیه‌السلام، در وهله نخست، مانعی بر سر راه دریافت پیام او توسط جامعه است و ازنظر اعتقادی، وضعیتی بسیار خطرناک تلقی می‌شود. به باور ایشان، «اگر حضرت علی علیه‌السلام سخنان کسانی را که او را

۱. رجوع کنید به:

Gölpınarlı, Abdulbakıy, Nehcul Belaga, Hz. Ali'nin Hutbeleri Vasiyetleri Emirleri Mektupları Hikmet ve Vecizeleri, Der Yayınları, İstanbul.

الوهیت می‌بخشیدند می‌شنید، آنان را با چوب از حضور خود می‌راند» (Yalçın, 2001, P47).

الیاس اوزوم،[1] پژوهشگر و فعال فرهنگی علوی در ترکیه، که مطالعات میدانی و تحلیل‌های گفتمانی درباره علوی‌گری و جایگاه امام علی علیه‌السلام در جامعه علوی انجام داده است با اشاره به سخنرانی تئومان شاهین، از رهبران علویانی که در چوروم[2] حول این دیدگاه گرد آمده بودند، می‌نویسد: «علوی‌گری مفهومی است که ارتباط تنگاتنگی با علی علیه‌السلام دارد. این مفهوم دربرگیرنده پیروی از مشی علی علیه‌السلام، تفکر بر اساس اندیشه‌های او و کوشش برای زیستن به روش اوست. از منظری دیگر، بنیاد اسلام بر قرآن کریم و اندیشه اهل‌بیت علیهم‌السلام استوار است و علوی بودن در کانون این اندیشه قرار می‌گیرد. طرف‌داری از علی علیه‌السلام، به‌منزله طرف‌داری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله محسوب می‌شود و پشتیبانی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز به معنای گام نهادن در مسیری است که خداوند متعال تعیین کرده است. بنابراین، علوی‌گری راهی است که در امتداد خط فکری و عملی علی و دوازده امام تداوم می‌یابد» (به نقل از: Üzüm, 1997, p58).

حمید آکتورک، پژوهشگر جامعه‌شناسی دین در ترکیه، که عمدتاً به مطالعه جامعه علویان، تغییرات اجتماعی و نقش انجمن‌های علوی در تحولات فرهنگی و هویتی می‌پردازد، از قول محمد کوچوک، رئیس انجمن فرهنگی امام حسین علیه‌السلام آدیامان[3] درباره جایگاه حضرت علی علیه‌السلام در فهم علوی‌گری آورده است: «علی معیار سنجش و درک این دین است. بدون حضرت علی و فرزندانش، دستیابی به فهم صحیح از این دین امکان‌پذیر نیست. در بخش‌های متعددی از قرآن کریم آمده است: «اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر بپرسید». اعتقاد بنیادین بر این است که اهل ذکر نیز حضرت علی و فرزندان او هستند. بنابراین، حذف حضرت علی علیه‌السلام، به‌منزله خروج از اسلام است و بدون علی علیه‌السلام و فرزندانش، تنها «اسلام اموی» باقی می‌ماند» (Aktürk, 2013, p81-82).

از نظر جامعه‌شناختی، این گفتمان معمولاً در میان طیف‌هایی از علویان شکل می‌گیرد که یا در تعامل با شیعیان امامی هستند، یا از ساختارهای آموزشی رسمی بهره‌مند شده‌اند و

1. Üzüm, İlyas.

۲. استان چوروم یکی از استان‌های ترکیه در منطقه دریای سیاه این کشور است.

۳. یکی از شهرهای ترکیه در استان آدیامان که اغلب ساکنان آن کُرد هستند.

در پی بازسازی هویتی عقلانی، نظام‌مند و تاریخی برای علوی‌گری‌اند. در جریان مشاهدات نگارنده از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی علویان استانبول، مشخص شد که گروه‌هایی با تمایل روزافزون به گفتمان‌های شیعی، در حال ایجاد سازمان‌های مذهبی مستقل با محوریت امام حسین علیه‌السلام، نهج‌البلاغه و اهل‌بیت‌اند. مراکز فرهنگی، مجالس عزاداری و انتشار متون ترجمه‌شده شیعی، ازجمله نمودهای این تمایل است.

از سویی دیگر، در منابر این گروه‌ها تأکید می‌شود که بدون درک جایگاه علی علیه‌السلام، فهم اسلام ناقص می‌ماند. نشانه‌های فرهنگی این گروه‌ها نیز متفاوت است: تصاویر علی علیه‌السلام در هیبت امام شیعی، تکرار شعارهای عاشورایی و گاه حتی پوشش و ادبیاتی نزدیک به تشیع امامی مشاهده می‌شود. رویکرد شیعه‌محور به حضرت علی علیه‌السلام، از تلاش‌های نوین علویان برای بازتعریف مرجعیت دینی خود بر پایه تشیع تاریخی حکایت دارد. این روند، واکنشی آگاهانه به گسست‌های درونی، تأویل‌های اسطوره‌ای و نیز فشارهای فرهنگی ناشی از ابهام هویتی در جامعه مدرن است. این جریان به‌دنبال پی‌ریزی روایتی واحد، عقلانی و اصیل از علوی‌گری است که با قرائت امامی هم‌پوشانی دارد، اما همچنان خصلت بومی و فرهنگی خود را حفظ می‌کند.

علی‌رغم آنکه این تفسیر به طور عمده در محافل رسمی‌تر یا در میان علویان آشنا با گفتمان شیعی برجسته شده است، مشاهدات میدانی نگارنده در استانبول نشان می‌دهد که باور به جایگاه منحصربه‌فرد امام علی علیه‌السلام به‌عنوان امام برحق و معیار شناخت دین، در لایه‌های مختلف جامعه علوی گسترده است؛ حتی اگر بسیاری از افراد، این باور را به دلایل فرهنگی یا سیاسی به‌صورت علنی ابراز نکنند. در گفت‌وگوهای غیررسمی با اعضای این جامعه، بارها تأکید شد که حضرت علی علیه‌السلام نه فقط به‌عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به مثابه میزان و ستون دین شناخته می‌شود. این گرایش ضمن آنکه با آموزه‌های شیعی قرابت دارد، برای بسیاری از علویان، تلاشی است برای یافتن بنیانی روشن، مکتوب و قابل دفاع برای هویت دینی‌شان در مواجهه با فشارهای بیرونی و بحران‌های هویتی درونی.

۲-۲. علیِ قدسی در متون آیینی و عرفانی علوی

بر اساس دیدگاه گروهی از علویان، حضرت علی علیه‌السلام شخصیتی برخوردار از نیروهای خارق‌العاده و صفاتی فرابشری است؛ تصویری که با عناصر اساطیری تقویت شده و در تخیل مذهبی آنان جایگاهی ریشه‌دار یافته است. این بازنمایی اسطوره‌ای و کیهانی از علی علیه‌السلام، در متون شفاهی همچون «جُنک‌ها»[1] که هنوز در روستاهای علوی‌نشین خوانده می‌شود، به‌روشنی مشهود است و در آیین‌های جمعی در جمخانه‌ها نیز مکرراً بازگو می‌شود. این نوع روایت، اگرچه با واقعیت‌های تاریخی انطباق ندارد، نشان می‌دهد که چگونه علی علیه‌السلام به‌عنوان یک شخصیت نمادین، در حافظه فرهنگی جامعه علوی به‌گونه‌ای جاودانه حفظ شده است.

مفهوم قدسی‌سازی علی علیه‌السلام در ادبیات دینی علوی، عمدتاً در دو قالب ظهور می‌یابد: نخست، در قالب «شطحیات» یا ابیات عرفانی موسوم به «نَفَس‌ها»[2] که در اوج جذبه و شور عارفانه سروده شده‌اند؛ دوم، در اشعار آیینی و حماسی سرایندگان اوزان. این سروده‌ها که اغلب خارج از چهارچوب‌های خشک شریعت رسمی قرار دارند، مملو از نمادپردازی، شور احساسی، و بیانی عاشقانه و افراطی نسبت به الله، پیامبر و حضرت علی‌اند. در بسیاری از آنها، بازتاب آموزه عرفانی «وحدت وجود» نیز دیده می‌شود که نشانگر پیوند عمیق میان اندیشه عرفانی، قالب شعری و باور دینی در سنت ادبی علوی است (Fığlalı, 2009, p244-245). این خوانش عرفانی، در نقطه مقابل تفاسیر شریعت‌محور قرار دارد و بر تجربه باطنی، سلوک فردی، و معنابخشی درونی دین تأکید می‌ورزد.

همان طور که فیغلالی[3] (۱۹۳۷م)، استاد الهیات و پژوهشگر ترک، متخصص علوی‌گری و بکتاشی‌گری، نویسنده مقالات و کتاب‌های تحلیلی درباره امام علی علیه‌السلام، فرهنگ و الهیات علوی ـ بکتاشی نیز اشاره می‌کند، پیچیدگی وضعیت کنونی باورهای علوی، حتی برای خود علویان نیز به‌سادگی قابل توضیح نیست. باورهای سنتی موجود در میان علویان،

۱. در ادبیات علوی بکتاشی به مجموعه‌هایی که معمولاً سخنان و اشعار اوزان‌ها و عاشیق‌ها را دربرمی‌گیرد، جُنک یا جُنگ می‌گویند.

۲. سرود آیینی و عرفانی

3. Ethem Ruhi Fığlal

به‌ویـژه در مناطق روسـتایی، کـه جایگاه ویژه‌ای بـرای حضرت علی علیه‌السلام قائل اسـت (حتی تا سـر حـد الوهیـت)، در محیط‌های شـهری چنـدان رایج نیسـت. داده‌هـای به‌دسـت‌آمده از مصاحبه‌های میدانی نویسنده در جمخانه‌های استانبول نیز همین روند را تأیید می‌کند.[1] از میان پاسخ‌دهندگان، تنها معدودی به وجود ویژگی‌های خارق‌العاده در شخصیت حضرت علی علیه‌السلام اذعان داشتند و اکثریت، حضرت علی علیه‌السلام را نه به مثابه یک حقیقت قدسی، بلکه به‌عنـوان نمـادی اخلاقـی، اجتماعی یا سیاسـی بازشناسـی می‌کردند. این موضـوع، واقعیتی شناخته‌شـده را بازتـاب می‌دهـد کـه بسـیاری از پدیده‌هایـی کـه در علویان سـنتی به‌عنوان «سِر»،[2] نسل به نسل منتقل شده‌اند، در مواجهه با سنجش‌گری عقلانی زندگی مدرن، بسیاری از باورها فرسـایش یافته و دچار تضعیف شـده‌اند. این فرسـایش، به دگرگونی‌های عمیقی در ساختار باورها و هویت علویان در دوران معاصر انجامیده است.

از دیدگاه این پژوهش، جایگاه حضرت علی علیه‌السلام که در علوی‌گری سنتی، اغلب به‌عنوان یـک راز یـا حقیقـت فراتـر از درک عمومـی تلقـی می‌شـد، در دوران علوی‌گـری مـدرن، دچـار فرسایش شده است. در این دوره، حضرت علی علیه‌السلام به شخصیتی صرفاً نمادین و ایدئولوژیک تبدیل گشته است. این عدم نیاز یا حتی امتناع از توضیح جایگاه ماورایی حضرت علی علیه‌السلام، می‌تواند نشانه‌ای آشکار از میزان زوال علوی‌گری سنتی و گذار آن به اشکال جدیدتر و بعضاً سـکولارتر باشـد. این تغییر، دلالت بر کاهش اهمیت ابعاد عرفانی و متافیزیکی شـخصیت حضرت علی علیه‌السلام و برجسته‌تر شدن نقش او در چهارچوب‌های اجتماعی، سیاسی و هویتی معاصـر دارد. ویرانـی، یکـی از هفـت شـاعر بـزرگ علویـان ترکیـه، علی علیه‌السلام را چنیـن توصیف می‌کند: «اوسـت آغاز و اوسـت پایان؛ پاکیزه و مطهر اوسـت؛ پنهان و آشـکار اوسـت؛ علی، علی، علی، علی». (Aydın, 2008, p35)

۱. آیدیـن آلتـای، امیـر اوغلـو، بیرول ییلدیز، حسـین چاولاک، طـارق چیمن، زینال دمیـر، علی کوچوک، سـاتیلمیش، غازی ارسـلان و نوری آل‌دمیر طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، محل نمایندگی جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیة در ترکیه و قبرس، استانبول، ۲۴ آبان تا ۵ آذر ۱۴۰۳.

۲. تاشگین، در ارتباط با محتوای مفهوم «راز» در علوی‌گری، بیان می‌دارد که «راز تنها چیزی نیست که توسط دیگران دانسته نمی‌شود، بلکه آن چیزی اسـت که حتی توسـط اعضای خود گروه نیز قابل شـناخت و درک عقلی نیسـت.» برای جزئیات بیشتر مراجعه کنید به:
Ahmet Taşğın, "Mit ve Gerçeklik Arasında: Alevilikte Ehlibeyt, Marife, Yıl: 4, 3, 2004b, s. p287-296.

همان طور که مشاهده شد، حضرت علی ﷺ نه به مثابه یک شخصیت انسانی، بلکه به عنوان موجودی متعالی و فراطبیعی (استعلایی) تعریف و توصیف می‌شود. این نگرش، علی ﷺ را فراتر از حدود بشری قرار داده است و ویژگی‌های الهی یا ماورایی را به او نسبت می‌دهد.

دده ستایلمیش،[1] یکی از دده‌های جمخانه فیروزکوی،[2] در توصیف جایگاه حضرت علی ﷺ در الهیات علوی، به مفهوم بنیادین «حق ـ محمد ـ علی» اشاره می‌کند و بر آن است که این سه‌گانه، در باور علویان جایگاهی قدسی دارد. به گفته او، برخی از علویان، حضرت علی ﷺ را نه‌تنها به‌عنوان یک امام، بلکه به مثابه «خدای سوم» در تثلیث مذکور می‌نگرند؛ تفسیری که در متون عرفانی و آیینی علوی ـ مانند «بویروک امام جعفر» - نیز به‌وضوح منعکس شده است. دده ستایلمیش تأکید می‌کند که بر اساس این منابع، حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ﷺ هر دو از «نور ازلی الهی» آفریده شده‌اند و این باور، ریشه در سنت‌های دیرپای مردم آناتولی دارد که پیش از اسلام نیز به مفاهیمی مانند نور و شعله، تقدس می‌بخشیدند. به‌زعم او، همین زمینه فرهنگی، پیوندی میان «نور و شعله»[3] و «علی» برقرار کرده و در نهایت، در قالب واژه «علوی» تجلی یافته است. چنین روایتی نشان از فرایند تاریخی و فرهنگی تلفیق عناصر عرفانی، اساطیری و اسلامی در شکل‌گیری الهیات علوی دارد (دده ساتیلمیش، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمخانه فیروزکوی، استانبول، ۲۸ آبان ۱۴۰۳).

حضرت محمد ﷺ در حدیثی فرموده‌اند: «من شهر علم هستم و علی باب آن است.» (طوسی، ۱۴۱۴، ج۱، ص۷۷۴). از دیدگاه علویان، محمد ﷺ «وجه ظاهری» خداوند را توصیف می‌کند؛ در حالی‌که علی ﷺ در معنای عرفانی، «جوهر و باطن» الوهیت را نمایان می‌سازد. علی ﷺ به‌عنوان «انسان کامل» شناخته می‌شود؛ گاه به او قدرت‌های الهی نسبت داده می‌شود و گاه او را جلوه خدا بر روی زمین و در هر انسانی می‌دانند. علویان آناتولی، علی ﷺ را از درون اسلام برگرفته و درعین‌حال، کیشی برای او خلق کرده‌اند که از مرزهای اسلام فراتر می‌رود. در یکی از اشعار پیر سلطان ابدال آمده است: «من علی‌ام و علی من است» و در

1. Satılmış

۲. واقع در منطقه فیروزکوی استانبول

۳. Nur/Alev

شعری دیگر که در مراسم «جم» خوانده می‌شود، «خدای علی» به طبیعت و انسان فروکاسته می‌شود (www.hacibektas.com, 2012).

در مقابل، محمد صفّت ساریکایا،[1] از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات علوی‌گری و تاریخ اسلام در ترکیه و صاحب تألیفات متعدد در زمینه تاریخ و الهیات علوی‌گری، معتقد است برخی پژوهشگران مانند بیرگه، ملیکوف، اُجاک و اروز، باورهایی چون حلول و تناسخ را به‌صورت نادرست به علویان نسبت داده‌اند؛ درحالی‌که این آموزه‌ها متعلق به اهل حق‌اند و به دلیل همجواری جغرافیایی، دچار خلط شده‌اند. به گفته او، این سوءبرداشت ناشی از رویکردهای گزینشی، تعمیم‌های نادرست و تلاش برای برقراری مشابهت‌های سطحی است (Balli, 2007, p165).

بااین‌حال، شواهد میدانی و تجربه زیسته علویان سنتی نشان می‌دهد که تصویر علیِ مافوق بشری، همچنان در حافظه فرهنگی آنان حضوری پررنگ دارد. ازاین‌رو، انکار کامل این گونه باورها، با واقعیت اجتماعی و آیینی علویان همخوانی ندارد. هرچند در فضاهای شهری و نهادهای رسمی، نمود این تفسیر کمرنگ‌تر شده است، اما مشاهدات نگارنده در جمخانه‌ها و محافل علوی در مناطق استانبول، از استمرار این نگرش در لایه‌های عمیق ذهنی و عاطفی جامعه علوی حکایت دارد. حتی در میان نسل‌های جوانی که در محیط‌های مدرن و سکولار رشد یافته‌اند، نوعی احترام پررمز و راز نسبت به جنبه‌های استعلایی شخصیت حضرت علی علیه‌السلام مشاهده می‌شود؛ باوری که معمولاً نه به‌صورت صریح، بلکه در قالب سکوت، پرهیز از نفی، یا اشارات تلویحی در ادبیات آیینی، موسیقی مذهبی و مناسک جمعی بروز می‌یابد. این وضعیت نشان می‌دهد که باوجود رواج گفتار عقلانی و نمادپرداز در بازتعریف علی علیه‌السلام، چهره قدسی و فرابشری او همچنان به مثابه بخشی از ناخودآگاه فرهنگی و حافظه جمعی علویان ترکیه پابرجاست.[2]

1. Mehmet Saffet Sarıkaya

۲. آیدین آلتای، امیر اوغلو، بیرول بیلدیز، حسین چاولاک، طارق چیمن، زینال دمیر، علی کوچوک، ساتیلمیش، غازی ارسلان و نوری آل‌دمیر طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، محل نمایندگی جامعة المصطفی العالمیة در ترکیه و قبرس، استانبول، ۲۴ آبان تا ۵ آذر ۱۴۰۳.

۲-۳. ترکی‌سازی چهره علی؛ بازخوانی قومی ـ ملی در سنت علوی[۱]

علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام شخصیتی تاریخی است که به‌عنوان داماد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پدر حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام و همسر حضرت زهرا علیهاالسلام در تاریخ اسلام، و همچنین چهارمین خلیفه در میان اهل‌سنت شناخته می‌شود. او با القاب و صفات متعددی ازجمله حیدر، کرار، مرتضی، ابوتراب، ابوریحانتین، شاه مردان، اسدالله و وجه‌الله مورد تجلیل قرار می‌گیرد (Fığlalı, 2009, p241). در برخی از برداشت‌های علوی، آویزان کردن تصویر حضرت علی علیه‌السلام نوعی عبادت تلقی می‌شود که نشان‌دهنده عمق ارادت به ایشان است. همچنین «نفَس‌ها» و «دوازده‌گانه»ها[۲] همواره با عبارت‌های «الله ـ محمد ـ علی» آغاز می‌شوند و نام علی در دعاها نیز به کرات ذکر می‌گردد.

باوجود آنکه حضرت علی علیه‌السلام در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره به انجام عبادات و اجرای احکام دینی پایبند بود، بخشی از توصیه‌ها و اوامر او درباره عبادات، در میان برخی از قرائت‌های علوی، یا نادیده گرفته شده یا تفسیری متفاوت یافته است. این امر نشان‌دهنده غلبه رویکرد تأویلی، و تمایل به رمزگشایی معنایی از متون دینی در سنت علوی است. نکته قابل‌توجه دیگر، بازتاب برخی عناصر دینی و فرهنگی پیشااسلامی ترک‌ها در تصویر ارائه‌شده از حضرت علی علیه‌السلام است. باوجود آنکه او شخصیتی تاریخی و عرب‌تبار است، اما در سنت دینی علوی، خصایصی از ادیان باستانی آسیای میانه و آیین‌های شمنی در شخصیت او بازنمایی شده است. این مسئله، حاکی از فرایند هم‌آمیزی فرهنگی و دینی در تکوین هویت علویان، به‌ویژه در بستر آناتولی است.

در برخی خوانش‌های تفسیری رایج در میان علویان، زندگی حضرت علی علیه‌السلام به دو دوره معرفتی و کنشی، قابل تفکیک است. دوره نخست، از آغاز بعثت تا رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را دربرمی‌گیرد که در آن، علی در هیئت مجاهدی مؤمن، قاضی‌ای دادگر و فرمانده‌ای شجاع ترسیم می‌شود. تصویری که حتی در نگاه اهل‌سنت نیز جایگاهی قابل‌توجه دارد و در منابع معتبر مشترک اسلامی بازتاب یافته است. چنان‌که ایوب اوغلو در تحلیل خود می‌گوید: در این مقطع،

۱. این مفهوم متعلق به زلیوت است. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به:
Rıza Zelyut, Türk Aleviliği Anadolu Aleviliğinin Kültürel Kökeni, Kripto Kitaplar, Ankara 2009.

۲. سرودهایی در ستایش دوازده امام.

حضرت علی ﷺ «چونان یک مسلمان سنی رفتار می‌کند» (Eyuboğlu, 1979, p20). اما دوره دوم، با رحلت پیامبر ﷺ آغاز می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن، برخی تفاسیر علوی، چهره‌ای رمزآلود، عارفانه و درونی از علی ارائه می‌کنند. در این نگاه، امام علی ﷺ از سطح ظاهری شریعت عبور می‌کند و در قلمرو سکوت، تأمل و معنویت جای می‌گیرد؛ جایگاهی که گاه در تضاد با ساختارهای قدرت رسمی قرار می‌گیرد و علی ﷺ را به‌عنوان نوری باطنی و راهنمایی رمزی بازتعریف می‌کند.

از منظر این پژوهش، چنین تفسیرهایی باید در چهارچوب بازتولید کاریزمای علوی و استمرار معنوی شخصیت علی ﷺ در تاریخ فرهنگی علویان فهمیده شوند. در برخی روایت‌ها، این استمرار نه صرفاً به‌صورت نمادین، بلکه در قالب نوعی «حلول» یا تناسخ بیان می‌شود؛ به این معنا که حضرت علی ﷺ بار دیگر در وجود حاجی بکتاش ولی، عارف و صوفی قرن هفتم هجری، شاگرد احمد یسوی و از پیشگامان بکتاشیه در آسیای صغیر که نفوذ و جایگاه او در میان ترکمانان و علویان اهمیت ویژه‌ای داشته است، تجسد می‌یابد. این بازتولید، چهره امام علی ﷺ را در قالبی صوفیانه و فراتر از چهارچوب شریعت بازنمایی می‌کند. در برخی قرائت‌های متأخرتر، برخی علویان، استمرار روح علی ﷺ را حتی در مصطفی کمال آتاتورک، بنیان‌گذار جمهوری سکولار ترکیه، مشاهده کرده‌اند؛ نوعی از «علیِ مدرن» که به‌جای قدیس، به رهبر سیاسی و نجات‌بخش ملی تبدیل شده است. یکی از تصاویری که در کنار تصویر امام علی ﷺ و حاجی بکتاش ولی در جمخانه‌های استانبول مشاهده می‌شد، تصویر مصطفی کمال آتاتورک بود.



ترکیبی که در این تصویر مشاهده می‌شود، در تمام جمخانه‌های استانبول وجود داشت.

این طیف از خوانش‌ها نشان می‌دهد که شخصیت حضرت علی ﷺ در حافظه جمعی علویان، ماهیتی ایستا و تثبیت‌شده ندارد؛ بلکه همواره در معرض بازتعریف و بازخوانی قرار گرفته است. این بازتفسیرها، متناسب با تحولات گفتمانی و نیازهای فرهنگی ـ اجتماعی هر دوره، شخصیت حضرت علی ﷺ را در قالب‌های جدیدی بازنمایی کرده‌اند. به بیان دیگر، حضرت علی ﷺ در سنت علوی، نه به‌عنوان چهره‌ای صرفاً تاریخی، بلکه به مثابه «نماد زنده‌ای» است که در بسترهای معنوی، سیاسی و هویتیِ متکثر، حضوری پویا و انطباق‌پذیر دارد. همین ویژگی دینامیک، زمینه تبدیل حضرت علی ﷺ به عنصری نمادین در گفتمان‌های ملی‌گرایانه، عرفانی یا ایدئولوژیک را نیز فراهم ساخته است.

از همین منظر، برخی قرائت‌های نوین، به بازسازی شخصیت حضرت علی ﷺ در چهارچوب هویت فرهنگی ترک‌تباران پرداخته‌اند. در این تفسیر حضرت علی ﷺ به‌عنوان نواده حضرت ابراهیم ﷺ معرفی می‌شود و با فرضیه ترک‌تبار بودن حضرت ابراهیم ﷺ، امام علی ﷺ نیز در زمره شخصیت‌های تُرک جای می‌گیرد. حتی در مواردی که نسبت نژادی او به‌روشنی بیان نمی‌شود، بر عرب‌بودگی‌اش نیز تأکیدی نمی‌شود. در این چهارچوب، ویژگی‌های منسوب به حضرت علی ﷺ، ازجمله صفاتی همچون «اولوالعزم»، «شجاع» یا «رهبر معنوی»، با مفاهیم برگرفته از سنت شمنی ترکان باستان هم‌پوشانی می‌یابد. این بازنمایی، نوعی تلاش برای بومی‌سازی شخصیت امام علی ﷺ و همگون‌سازی او با الگوهای تاریخی ـ فرهنگی ملت تُرک است. در این دیدگاه، اگرچه جنبه‌های قدسی امام علی ﷺ همچنان برجسته‌اند، اما ماهیت این نسبت‌دهی بیشتر زمینه‌مند و انعطاف‌پذیر است و بسته به اقتضائات گفتمانی می‌تواند معانی متفاوتی به خود بگیرد. چنین قرائتی از حضرت علی ﷺ، بازتابی از فرایند درهم‌تنیدگی دین و ملیت در روایت‌های معاصر برخی جوامع علوی به شمار می‌رود.

در پاره‌ای از روایت‌های علوی، نظیر آنچه در مجلس چهل‌تن[1] آمده است، شخصیت حضرت علی ﷺ به‌گونه‌ای توصیف می‌شود که یادآور آیین‌ها و باورهای کهن ترکی است. در این

۱. چهل‌تن (Kırklar Meclisi) در عقاید علویان ترکیه، به جمعی از اولیای الهی و بزرگان دینی گفته می‌شود که حضور معنوی‌شان در مناسک و آیین‌های علوی نماد تداوم هدایت و سنت معنوی است.

روایت‌ها، علی ﷺ با فشردن دانه‌ای انگور و تهیه شراب، جام‌های پُر را به حاضران می‌نوشاند و آنان را به‌نوعی خلسه[1] یا مستی روحانی فرو می‌برد (Buyruk, 1958, p7-16; Buyruk, 2006, p13-18).

درواقع، امام علی ﷺ در این فرایند حذف نمی‌شود، بلکه چهره‌ای تازه از او در قامت یک شخصیت ترک بازسازی می‌گردد. این تصویر، هم‌راستا با آیین‌های «دولوق/دولوک»[2] در سنت‌های باستانی ترک است؛ آیین‌هایی که نماد وفور، بخشش و یگانگی معنوی به شمار می‌رفته‌اند. در چنین خوانشی، بسیاری از عناصر اسطوره‌ای و مناسکیِ قبایل کهن ترکمن، با بازتفسیر و نمادینه‌سازی مجدد، بر سیمای علی ﷺ افکنده شده‌اند. بدین‌ترتیب، نوعی «ترکی‌سازیِ علی» شکل می‌گیرد که او را نه فقط پیشوای دینی، بلکه تجسمی از کهن‌الگوهای عرفانی و قومی در ذهن جمعی علویان بازمی‌نماید؛ به این معنا که علی ﷺ نه‌تنها یک شخصیت دینی، بلکه تجسمی از هویت فرهنگی و تاریخی تُرک نیز می‌گردد. این شیوه از شخصیت‌پردازی علی ﷺ به طور خاص مورد پذیرش افراد و نهادهایی قرار گرفته است که علوی‌گری را با رویکردی ایدئولوژیک و نزدیک به همین فهم فرهنگی ـ قومی تفسیر می‌کنند.

دده علی کوچوک، دده و مدیر قدیمی‌ترین جمخانهٔ استانبول (جمخانهٔ سید صبری)، تأکید می‌کند که نسب خاندان او به حضرت علی ﷺ می‌رسد و خودشان نیز تُرک هستند. این اظهارنظر، نمونه‌ای گویا از درهم‌تنیدگی هویت دینی (انتساب به علی) و هویت قومی (ترک بودن) در میان برخی از علویان است. این نوع روایت‌ها می‌تواند در تحلیل‌های مربوط به علیِ تُرک‌شده و هویت‌های چندلایه در جوامع علوی مورد استفاده قرار گیرد.

به نقل از آکتورک، مراد کوچوک دوغان،[3] رئیس بنیاد «جم» در شهر آدیامان، در تبیین نسب و هویت قومی حضرت علی ﷺ دیدگاهی ارائه می‌دهد که حاوی تلفیقی از عناصر دینی،

۱. خلسه یعنی حالتِ بی‌خودی، جذب، یا وجد روحانی که انسان در آن از خود بی‌خود می‌شود و در نوعی آرامش یا شور معنوی فرو می‌رود. در این حالت، سالک یا عارف از ادراک حسی فاصله گرفته و به نوعی تجربه‌ی شهودی یا روحانی دست می‌یابد.

۲. در سنت‌های باستانی ترک، واژه‌ی «دُلوک» (doluluk) یا گاه «دَلَک» (dalak/dolmak)، مفهومی نزدیک به خلسه، وجد یا حالت روحانیِ سرشار از نیرو دارد. در ترکی مدرن، doluluk از ریشه‌ی dolmak (پُر شدن، سرشار شدن) گرفته شده و در متون آیینی و بکتاشی ـ علوی، هنگامی که از حالتی سخن می‌گویند که سالک در آن از عشق و ذکر «پُر» و از خود «فارغ» می‌شود، همین تعبیر را به کار می‌برند.

3. Murat Küçükdoğan.

اسطوره‌ای و هویتی است. او می‌گوید: «نسب ما به حضرت علی علیه‌السلام می‌رسد. اگرچه ایشان در میان قبایل عرب به دنیا آمدند، اما بر اساس باور ما، حضرت علی علیه‌السلام پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته‌اند. ازاین‌رو، ایشان عرب نیستند. برای مثال، تبار ایشان به حضرت ابراهیم می‌رسد که پدرشان ترک بودند ـ همان طور که می‌دانید ـ و مادرشان بَدَوی. این یک حقیقت تاریخی است؛ بدین معنا که حضرت علی علیه‌السلام از نیاکان خود دارای تبار ترک بودند» (Aktürk, 2013, p80).

۲-۴. علیِ نمادین؛ چهره‌ای برای عدالت و کنش اجتماعی

در این دیدگاه، حضرت علی علیه‌السلام نه به‌عنوان یک شخصیت تاریخی یا امامی منصوب از سوی پیامبر، بلکه بیشتر به‌عنوان نمادی از مفاهیمی همچون عدالت، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم شناخته می‌شود. پیروی از علی علیه‌السلام در این برداشت، به معنای عمل به سیره فردی یا پذیرش جایگاه دینی او نیست؛ بلکه دعوتی است به کنشگری اجتماعی و مقابله با نابرابری‌ها و ساختارهای سلطه. در چنین نگاهی، علی علیه‌السلام شخصیتی است که در بطن زمان و مکان‌های مختلف، بارها بازتعریف می‌شود؛ نه برای حفظ گذشته، بلکه برای ساختن معنایی تازه در زمان حال و آینده. به همین دلیل، ویژگی‌های تاریخی و اعتقادی علی علیه‌السلام در حاشیه قرار می‌گیرد و جنبه نمادین و الهام‌بخش او برجسته می‌شود. در این خوانش، علی علیه‌السلام بیش از آنکه یک چهره دینی و سنتی باشد، به الگویی برای آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و دفاع از مظلومان تبدیل می‌شود؛ الگویی که می‌تواند در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

اردوغان آیدین، از چهره‌های شاخص این جریان فکری، با استناد به تعابیری از نهج‌البلاغه همچون «نماز وسیله تقرب هر انسان پاک به خداست»، «جهاد زن، خوش‌رفتاری با شوهرش است»، یا «هر کاری که می‌کنی به نماز مربوط است»، می‌پرسد که: «این سخنان چه تفاوتی با آموزه‌های خلفای نخستین همچون ابوبکر یا عمر دارد؟» از نگاه او، چنین برداشتی در اصل بازنمایی‌ای از یک خوانش ارتدوکس اسلامی است که با روح و محتوای علوی‌گری فاصله دارد. آیدین در ادامه، تقابل بنیادینی میان نگرش علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه ـ که در آن آمده «کسی که تو را با مخلوقاتت برابر بداند، به آیاتت کفر ورزیده» ـ با تجربه

عرفانی و وحدت‌گرایانه یونس اَمْره بیان می‌کند؛ جایی که شاعر تصریح می‌دارد: «در گوشت و استخوان پیچیدم / به هیئت یونس نمودار شدم». او این دو فهم را نه‌تنها متفاوت، بلکه کاملاً متضاد و ناسازگار با یکدیگر می‌داند (Aydın, 2008, p20-21).

تحلیل آیدین را می‌توان در چهارچوب تنش میان دو قرائت از علی علیه‌السلام - یکی شریعت‌محور و دیگری عرفانی فرهنگی ـ تفسیر کرد. او بر این باور است که تکیه بر متونی چون نهج‌البلاغه برای بازتعریف هویت علوی، نوعی بازگشت به ارتدوکسی دینی است که با تجربه تاریخی و زیسته علویان آناتولی سازگار نیست. از نگاه آیدین، علوی‌گری بر محور تجربه‌ای باطنی، شاعرانه و عرفانی استوار است؛ تجربه‌ای که در آن، علی علیه‌السلام نه صرفاً امام شریعت‌مدار و واجب‌الاطاعه، بلکه «انسان کامل» و «مظهر حقیقت الهی» تلقی می‌شود. بدین‌سان، او از فروکاستن علی علیه‌السلام به چهارچوب‌های فقهی پرهیز می‌دهد و بر بازنمایی علی علیه‌السلام به مثابه نماد عرفانِ آزاد از نهادهای رسمی تأکید می‌کند.

۲-۵. علوی‌گری بدون علی؛ انقطاع از شخصیت تاریخی و هویت‌سازی فرهنگی

بر اساس این دیدگاه، تمرکز بر علی علیه‌السلام تاریخی در بستر علوی‌گری معاصر، علویان را صرفاً به‌سوی «انتقام‌جویی کربلا» سوق می‌دهد. در مقابل، وظیفه علوی‌گری امروز، نه پرداختن به انتقام وقایع تاریخی، بلکه اتخاذ یک رویکرد علمی در برابر هرگونه شریعت‌گرایی و ارتجاع در زمان حال است (Bulut, 2011, p19). فائق بولوت[1] پژوهشگر و نویسنده ترکیه‌ای که یکی از مدافعان این دیدگاه است، تأکید دارد که برجسته‌سازی جایگاه علی علیه‌السلام در سنت علوی، درواقع تلاشی ترکیبی برای پیوند زدن این سنت به هویت قومی ترک است. او با اشاره به برخی شباهت‌های ساختاری میان علوی‌گری و آیین زرتشت، می‌کوشد نشان دهد که ریشه‌های فرهنگی این دو سنت در عناصر ماوراء اسلامی قابل ردیابی است. او در نقد برخی برداشت‌های ساده‌انگارانه، استدلال می‌کند که اگر تنها باتکیه‌بر زبان اشعار شاه اسماعیل صفوی (ترکی)، ارتباطی میان علوی‌گری و تُرک بودن برقرار می‌شود، آنگاه باید پذیرفت که سلطان سلیم یاووز نیز به دلیل سرودن اشعار فارسی، هویتی ایرانی داشته است (Bulut, 2011, p515).

1. Bulut, Faik

بولـوت همچنیـن بـا طرح این پرسـش که «چگونه شـخصیتی کـه فلسـفه را مایهٔ هلاکت می‌دانسـت، می‌تواند جایگاهی در علوی‌گری کنونی داشـته باشد؟»، این وضعیت را خطری جـدی برای تداوم ماهیت فرهنگی علوی‌گری می‌داند. ازنظر او، پذیرش شـخصیت تاریخی امام علی علیه‌السلام و تفسیر او درون چهارچوب اسلامی رایج، این خطر را در پی دارد که علوی‌گری به سـمت یکی از دو شـاخه رسـمی شـیعه یا سـنی سـوق داده شـود؛ پدیده‌ای که می‌تواند به گسستی معرفتی در درون علوی‌گری منجر گردد.

در پاسخ به این چالش، برخی معتقدند که پذیرش شخصیت علی علیه‌السلام در میان علویان، نه از سـر اعتقاد عمیق، بلکه به مثابه نوعی اسـتراتژی دفاعی و تاریخی صورت گرفته اسـت. بـر پایـه این دیدگاه، ورود علی علیه‌السلام به نظام اعتقادی علویـان، پدیده‌ای متأخر و متعلق به قرن شانزدهم میلادی است؛ دورانی که گروه‌های دگراندیش آناتولی در معرض فشارهای سیاسی و مذهبی قرار داشتند و برای حفظ خود، ناگزیر به ابراز ظاهریِ التزام به اسلام رسمی شدند. در این شرایط، بهره‌گیری از شخصیت علی علیه‌السلام ـ که خود نماد مقاومت و مخالفت با خلافت محسوب می‌شد ـ انتخابی هوشمندانه برای حفظ هویت بود. حتی برخی توصیه‌های عبادی در آثار حاجی بکتاش و بزرگان علوی، که شـباهت‌هایی با احکام اهل‌سـنت دارد، به‌عنوان نوعی تقیه و محافظت در برابر تهدیدهای سیاسی تفسیر شده است (Aydın, 2008, p46).

بااین‌حال، طرح دیدگاه «علوی‌گری بدون علی» با واکنش‌های جدی و گسترده‌ای از سوی بدنه علویان مواجه شده است. برای نمونه، بنیاد جم در شماره ماه مه ۱۹۹۷ مجله خود به‌صراحت هشدار داد که حذف چهره علی علیه‌السلام از بافت باورهای علوی، نه‌تنها به تضعیف این سنت خواهد انجامید، بلکه راه را برای تقویت گرایش‌های زرتشتی هموار خواهد کرد (Cem Dergisi, 1997).

یافته‌های میدانی و مصاحبه‌های پژوهشگران نیز مؤید آن است که این گفتمان، دست‌کم در سطح عمومی، مقبولیت چندانی ندارد. به‌جز برخی از مدیران فرهنگی و شمار معدودی از ده‌ها، اکثریت مصاحبه‌شوندگان با صراحت ابراز کرده‌اند که تصور علوی‌گری بدون علی علیه‌السلام نه ممکن است و نه مطلوب.

بااین‌وجود، در سـطح محافـل روشـنفکری و فرهنگی، تأمل بر سـر امکان‌پذیـری یا عدم

امکان «علوی‌گری بدون علی علیه‌السلام» همچنان ادامه دارد. آنچه در این گفتمان‌ها برجسته می‌شود، تعارضی است میان وفاداری به ریشه‌های تاریخی از یک‌سو و نیاز به بازسازی هویتی در بستر مدرنیته از سوی دیگر.

در این میان، دو رویکرد عمده قابل شناسایی است: رویکرد نخست، در پی جداسازی علی علیه‌السلام از منظومه علوی‌گری، می‌کوشد آن را به مثابه هویتی فرهنگی، اجتماعی یا انسان‌گرایانه بازتعریف کند؛ هویتی که مستقل از آموزه‌های الهیاتی اسلام کلاسیک شکل می‌گیرد و بیشتر بر عناصر عرفانی، اسطوره‌ای، ملی و نمادین استوار است. در این چهارچوب، اگر نامی از علی علیه‌السلام برده می‌شود، عمدتاً در مقام یک اسطوره فرهنگی یا نماد اخلاقی است، نه یک امام معصوم یا مرجع اعتقادی. رویکرد دوم بر این باور است که حذف شخصیت امام علی علیه‌السلام از هویت علوی، به معنای فروپاشی بنیان‌های معرفتی، آیینی و عاطفی این سنت است. در این نگاه، علی علیه‌السلام نه‌تنها پیونددهنده عناصر دینی و آیینی علوی‌گری باگذشته است، بلکه به مثابه قطب معنوی و مدار وفاداری، نقش هویتی و روح‌بخش ایفا می‌کند. از منظر این رویکرد، حضرت علی علیه‌السلام نه صرفاً یک نماد فرهنگی، بلکه تجسم ایمان، سنت و معنویتِ زیسته علویان است.

از منظر مطالعات هویتی، این تقابل، بیانگر کشمکش میان حافظه تاریخی و ساختارهای مدرن هویت‌سازی در جوامع اقلیت دینی است؛ جایی که سنت، در مواجهه با مدرنیته، ناچار به بازتعریف و بازتفسیر خویش می‌شود. «علوی‌گری بدون علی علیه‌السلام» در این میان، نه فقط یک پرسش الهیاتی یا اعتقادی، بلکه دغدغه‌ای جامعه‌شناختی درباره امکان فرهنگی‌سازی دین است: آیا می‌توان دین را به‌تمامی در قالب فرهنگ حل کرد؟ و اگر آری، چه چیزی از دین باقی می‌ماند؟

این چالش را می‌توان در مشاهدات میدانی نویسنده در جمخانه‌های استانبول نیز به‌روشنی دید. در بازدید از چند جمخانه، به‌ویژه جمخانهٔ سیدصبری، تصاویر علی علیه‌السلام، حاجی بکتاش و آتاتورک به طور هم‌زمان و در کنار هم دیده می‌شد. این هم‌نشینی تصویری، نه‌تنها بازتابی از احترام به گذشته و حال، بلکه نموداری از تلاش برای ترکیب هویت دینی، ملی و عرفانی در یک روایت علوی معاصر است؛ روایتی که می‌کوشد علی علیه‌السلام را به‌گونه‌ای

بازتفسیر کند که هم با سنت، هم با مدرنیته و هم با ملی‌گرایی سکولار در آشتی باشد.

در مصاحبه با دده علی کوچوک،[1] نویسنده کتاب علویان به کجا؟!، ایشان با تأکید بر پیوند ناگسستنی علوی‌گری با حضرت علی ﷺ گفت: «ممکن است برخی روشنفکران بگویند علوی‌گری بدون علی هم ممکن است، اما در دل مردم، علی ﷺ زنده است. ما نماز نمی‌خوانیم چون از شریعت دور شده‌ایم، اما اگر نام علی ﷺ را حذف کنیم، از خودمان هم چیزی باقی نمی‌ماند.» این اظهارات نشان می‌دهد که حتی در میان دده‌هایی که گرایش‌های نواندیشانه دارند، حذف علی از باور علوی، نوعی فروپاشی هویتی تلقی می‌شود (دده علی کوچوک، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمخانه سید صبری، استانبول، ۵ آذر ۱۴۰۳).

به‌این‌ترتیب، مشاهدات نگارنده و گفتگو با دده علی کوچوک گواهی می‌دهند که در زیست علویان ترکیه، علی ﷺ همچنان نقشی محوری دارد؛ هرچند این نقش در گذر زمان، با قرائت‌های فرهنگی و سیاسی جدید آمیخته شده است. در چنین بستری، «علوی‌گری بدون علی ﷺ» شاید در نظریه، قابل تصور باشد، اما در عمل، برای بسیاری از پیروان، نوعی «هویت‌زدایی» غیرقابل‌پذیرش به شمار می‌آید.

جدول گونه‌شناسی پنج‌گانه تفاسیر علویان ترکیه از شخصیت امام علی ﷺ

تفسیر شیعی (امامی)	تفسیر محافظه‌کارانه	تفسیر ایدئولوژیک	تفسیر فرهنگی	تفسیر سکولار (علوی‌گری بدون علی ﷺ)
علی ﷺ به مثابه امام معصوم و مرجع دینی در چهارچوب تشیع امامی	علی ﷺ به مثابه حافظ سنت، هویت قومی ترک و نظم اجتماعی سنتی	علی ﷺ به مثابه رهبر عدالت‌خواه و الگوی کنشگری سیاسی و اجتماعی	علی ﷺ به مثابه نماد آیینی در بازسازی رابطه «دده ـ طالب» در فضای شهری	حذف علی از متن علوی‌گری و بازتعریف آن به مثابه یک هویت فرهنگی فرادینی
چهره برآمده: علیِ امام	چهره برآمده: علیِ تُرک‌شده	چهره برآمده: علیِ نمادین	چهره برآمده: علیِ قدسی و آیینی	چهره برآمده: علیِ حذف‌شده

۱. از دده‌های فعال در استانبول

جمع‌بندی

بازنمایی شخصیت امام علی ﷺ در گفتمان علویان ترکیه، عرصه‌ای چندلایه و پویا از تفسیر، تأویل و بازسازی هویت دینی است که در بستر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر شکل گرفته است. تحلیل گونه‌های اصلی این بازنمایی‌ها نشان می‌دهد که علوی‌گری نه یک سنت یکپارچه و ایستا، بلکه فضایی سیال و متنوع است که در آن، چهره امام علی ﷺ همچون آینه‌ای چندوجهی، بازتاب‌دهنده هویت، تعلق و معنا برای نسل‌ها و جریان‌های مختلف علوی است.

یافته‌های نظری: پژوهش حاضر، پنج تصویر برجسته از علی ﷺ را شناسایی کرده است:

- علیِ امام، تأکید بر مرجعیت دینی و نسبت تشیع امامی؛
- علیِ قدسی، تجلی سنت عرفانی و متون آیینی؛
- علیِ تُرک‌شده، پیونددهنده شخصیت علی ﷺ با ریشه‌های قومی و هویت فرهنگی ترک؛
- علیِ نمادین، الگویی از عدالت و انسان‌گرایی؛
- حذف علی ﷺ از گفتمان علوی‌گری در برخی جریان‌های سکولار.

این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که هر خوانش، پاسخی به نیازهای معرفتی، سیاسی یا فرهنگی یک دوره خاص است و در تعامل با متغیرهای کلان مانند شهرنشینی، سکولاریسم، مدرنیزاسیون و تعاملات بین‌فرهنگی شکل گرفته است.

کاربست‌های عملی: داده‌های میدانی و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که علی ﷺ همچنان نقطه ثقل حافظه جمعی و ناخودآگاه فرهنگی علویان است؛ حتی نسل‌های جوان‌تر و تحصیل‌کرده، باوجود تفاوت در لحن و زبان بازنمایی، نوعی احترام و بازتاب تلویحی از چهره قدسی و فرابشری او دارند. این امر پیامدهایی مهم برای پژوهشگران و تصمیم‌گیران دینی دارد؛ به‌ویژه در زمینه آموزش دینی، سیاست‌گذاری فرهنگی و برنامه‌ریزی برای حفظ و ترویج هویت علوی.

پیشنهادهای پژوهشی: مرز میان این قرائت‌ها همیشه شفاف نیست و تلفیق آنها در عمل، گاه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و گاه تنش میان دیدگاه‌های متعارض ایجاد می‌کند.

پژوهش‌های آینده می‌توانند بر مطالعات تطبیقی با دیگر جوامع علوی، بررسی تأثیر تغییر نسل و مدرنیته و تحلیل تعامل میان قرائت‌های مختلف تمرکز کنند تا فهم جامع‌تری از تحول هویت دینی و فرهنگی در جوامع معاصر ارائه شود.

درمجموع، این مقاله با تلفیق تحلیل نظری، داده‌های میدانی و ارجاع به ادبیات دینی و اجتماعی علویان، چهارچوبی بومی‌شده برای درک بازنمایی‌های گوناگون از امام علی علیه‌السلام ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که پرسش از «علی کیست؟» نه صرفاً یک دغدغه تاریخی، بلکه نقطه کانونی بازتعریف هویت، تعلق و معنا در جامعه‌ای در حال گذار است. علی علیه‌السلام در این چهارچوب نه فقط یک شخصیت دینی، بلکه رمزگانی فرهنگی، سیاسی و عرفانی است که هر نسل، متناسب با شرایط زمانه، از نو او را تفسیر و بازتولید می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۳۴۴ق/۱۹۲۵م)، لسان العرب، چاپ اول، قاهره: دار المعارف.
۲. الویری، محسن (۱۳۹۱ش)، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش۸، ص۷-۵۲.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵ش)، لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۴. دهخدا، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. جمالی‌فر، مهدی (۱۴۳۷ق)، «علویوا الاناضول (تاریخهم و عقایدهم)»، کربلا: مجلة اهل البیت، ش۱۹، ص ۲۶۶.
۶. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
۷. کوچوک، علی، (۱۴۰۳ش)، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمخانه فیروزکوی، استانبول (مصاحبهٔ شخصی).

8. Aksüt, Hamza vd (2010). Alevî Tarih Yazımında Skandal Erdoğan Çınar Örneği. (2. Baskı). Ankara: Yurt Kitap Yayın.
9. Aktaş, Ali vd. (1998). Ali'siz Alevîlik Olur mu? İstanbul: Ant Yayınları.
10. Aktay, Yasin (1999). Türk Dininin Sosyolojik İmkânı. İstanbul: İletişim Yayınları.
11. Aktürk, Hamit (2013). Çağdaş Aleviliğin dört Alisi. Geçmişten Günümüze Alevilik, I. Uluslararası Sempozyumu, October 2013, Bingöl Üniversitesi Yayınları 2014, 2, 56 - 70.
12. Aktürk, Hamit (2013). Toplumsal Değişme ve Alevî Dernekleri -Adıyaman Örneği. Erciyes Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış doktora Tezi. Kayseri.
13. Alevî Çalıştayı Birinci Etap Alevî Örgütleri ve Temsilcileri Toplantısı Değerlendirme İstem ve Öneri Raporu, (2009).
14. Arabacı, F. (2015). Alevi-Sünnî Farklılaşması, İstanbul: Ensar Yayınları.
15. Arı, Y. (2020). Değişim Sürecinde Alevilikte Dini Otorite, Adıyaman Dedeleri Örneği, Ankara: Berikan Yayınları.
16. Aydın, Erdoğan (2008). Kimlik Mücadelesinde Alevîlik (3. Baskı). İstanbul: Kırmızı Yayınları.
17. Bal, Hüseyin (2002). Alevî Bektaşi Kültürü Sosyolojik Araştırmalar. Isparta: Fakülte Kitabevi.
18. Ballı, H. Hüseyin (2007). "Hz. Ali Sempozyumu". Dokuz Eylül Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 26, 163-168
19. Bozçalı, M. (2006). Alevi Bektâşî Nefeslerinde Dini Muhteva. İstanbul: Horasan Yayınları.
20. Bulut, Faik (2011). Ali'siz Alevîlik (4. Baskı). İstanbul: Berfin Yayınları.
21. Buyruk. (1958). Der. Sefer Aytekin. Ankara: Emek Basım Yayınevi.
22. Buyruk. (2006). Haz. Fuat Bozkurt. İstanbul: Kapı Yay.
23. Çınar, Erdoğan. (2008). Alevîliğin Kökleri- Abdal Musa'nın Sırrı, Kalkedon Yayınları, İstanbul.
24. Erdoğan, Aydın (2008). Kimlik Mücadelesinde Alevîlik, 3. Baskı, İstanbul, Kırmızı Yayınları.

25. Eröz, Mehmet. (1990). Türkiye'de Alevilik-Bektâşîlik. Ankara: Kültür Bakanlığı Yayınları.
26. Eyuboğlu, İsmet Zeki. (1979). Alevîlik- Sünnilik İslâm Düşüncesi. İstanbul: Hürriyet Yayınları.
27. Fığlalı, Ethem Ruhi (1989). "Ali" , TDV İslâm Ansiklopedisi, C.2 İstanbul
28. Fığlalı, Ethem Ruhi (2009). "Alevî-Bektaşi Teolojisinin Temel Taşı: Alevî- Bektaşi İnançlarında Hz. Ali". Geçmişten Günümüze Alevî Bektaşi Kültürü, (Editör: Ahmet Yaşar Ocak), Kültür Bakanlığı Yayınları, Ankara, 241-263.
29. Gölpınarlı, Abdulbaki, Nehcul Belaga, Hz. Ali'nin Hutbeleri Vasiyetleri Emirleri Mektupları Hikmet ve Vecizeleri, Der Yayınları, İstanbul.
30. Karamustafa, Ahmet T. (2007). Tanrının Kural Tanımaz Kulları İslâm Dünyasında Derviş Toplulukları 1200-1550. (Çev. Ruşen Sezer) İstanbul: Yapı Kredi Yayınları.
31. Kaya, Ali. (2022). Alevilik Te İnanç, İbadet Ve Dersim. İstanbul: Pervane Yayınevi.
32. Kocadağ, Ebülfez. (2022). Yedi Ulu Ozanın Eserlerine Tekitle ANADOLU ALEVİLİĞİNDE İMAMET İNANCI. İstanbul: el-Mustafa Yayınları.
33. Küçük, Ali. (2024). Aleviler nereye?, İstanbul: pervane Yayınları.
34. KUTLU, Sönmez (2003). "Alevîliğin Dini Statüsü: Din Mezhep Tarikat Heterodoksi Ortadoksi ya da Metadoksi". İslâmiyat, VI, 3, 31-54
35. Ocak, Ahmet Yaşar (1998). "Alevîliği Nasıl Anlamalı". Köprü Dergisi, S: 62, No-366, (Erişim Tarihi 23.03.2012).
36. Ocak, Ahmet Yaşar. (2000). "Babaîler İsyanından Kızılbaşlığa: Anadolu'da İslâm Heterodoksisisinin Doğuş ve Gelişim Tarihine Kısa Bir Bakış". Belleten [TTK Belleten] [Türk Tarih Kurumu Belleten], c.LXIV, sayı: 239.
37. Rençber, F. (2016). Hakk Muhammed Ali Aşkı: Adıyaman Alevileri. Ankara: Gece Kitaplığı.
38. Subaşı, Necdet (2010). Alevî Modernleşmesi Sırrı Faş Eylemek (3. Baskı). İstanbul:Timaş Yayınları.
39. Taşğın, AHMET (2004). "Mit ve Gerçeklik Arasında: Alevîlikte Ehlibeyt", Marife, Yıl: 4, 3, 287-296.
40. Üzüm, İlyas (1997). Günümüz Alevîliği. İstanbul: İsam Yayınları.
41. www.hacıbektaş.com (Erişim Tarihi 29.07.2012).
42. Yalçın Kaya, Ayhan (2009). "Ahmet T. KARAMUSTAFA, Tanrının Kural Tanımaz Kulları İslâm Dünyasında Derviş Toplulukları 1200-1550 (Çev. Ruşen Sezer)". Kitap Tanıtımı, Ankara Üniversitesi SBF Dergisi, 64-3, 239-250.
43. Yalçın, Aziz (2001). Hz. Ali ve Alevîlik Gerçeği. İstanbul: Der Yayınları.
44. Zelyut, Rıza (2009). Türk Alevîliği Anadolu Alevîliğinin Kültürel Kökeni. Ankara: Kripto Kitaplar.